

مبارزه برای پایان دادن به حکومت مطلقه شاه و سیطره دوزخی ساواک خواست مبرم مردم ایران است!

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوم آوریل، روز مبارزه علیه پایگاههای نظامی امپریالیستی در اقیانوس هند

روز دوم آوریل ۱۹۷۴ برابر با ۱۳ فروردین ۱۳۵۳ از طرف شورای جهانی صلح روز مبارزه علیه پایگاههای نظامی امپریالیستی در اقیانوس هند اعلام شده است. اعلامیه شورای جهانی صلح از ملل همه کشورها دعوت میکند به توطئه نظامی امپریالیسم در

این منطقه داغ ننگ بزنند و همصدا با کلیه ملل و دولتی که خواستارند اقیانوس هند منطقه صلح و بدور از تدارکات نظامی باشد از تجاوز جدید محافل و خاست طلب امپریالیستی نسبت به امر صلح جهانی و بویژه نسبت به جنبش استقلال طلبانه خلخهها، جاوگیری بمعل

آوردند. علیرغم تحریکات گوناگون دول امپریالیستی اقیانوس هند تا کنون از درگیری کامل در جنگ سرد و قرار گرفتن در زیر چتر «حمایتی» پیمانهای نظامی دنباله در صفحه ۲

در باره تحولات اوضاع بین المللی و لزوم تشکیل کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری

دامنه مبارزه کشورهای سوسیالیستی، جنبش جهانی کارگری، جنبش رهایی ملی و بطور کلی مبارزه نیروهای صلح، دمکراسی و ترقی علیه امپریالیسم و ارتجاع پیوسته گسترده تر میشود. بیگار آزادبخش خلخهها در مناطق مختلفه جهان و از جمله در جنوب شرقی آسیا، آفریقا و امریکای لاتین، خاور نزدیک و میانه، در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس به کمپانی های تازه ای دست یافته است. تغییر تناسب نیروها بسود سوسیالیسم، کاهش و خامت در اوضاع بین المللی و گذار تدریجی از محیط جنگ سرد به سیاست همزیستی مسالمت آمیز، از هم اکنون امکانات و دورنمای تازه ای برای گسترش باز هم بیشتر مبارزه توده های زحمتکش در راه خواستهای حیاتی و دگرگونی جامعه کهنه و نیز برای مبارزات استقلال طلبانه خلخهها علیه امپریالیسم و پی ریزی اتحاد های ضد امپریالیستی و تأمین وحدت عمل طبقه کارگر با دیگر نیرو های صلح طلب و ترقیخواه در مقیاس داخلی و بین المللی وجود آورده است. همراه با این دنباله در صفحه ۲

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بر پایه بررسی های خود در مورد دگرگونیها و گرایش های نوینی که بویژه طی چند سال اخیر در اوضاع بین المللی پدید آمده است، چنین تشخیص میدهد که مجموعه سیر حوادث در دوران پس از کنفرانس جهانی سال ۱۹۶۹ احزاب کمونیستی و کارگری صحت احکام و اثر بخشی نتیجه گیریهای جمعی این کنفرانس را بنحو بارزی تأیید نموده است. مجاهدات احزاب برادر در زمینه تحقق این احکام و اسناد مصوبه آن در تحکیم جنبش بین المللی و کارگری و جنبش رهایی بخش ملی خلخهها، تقویت وحدت عمل و تعمیق پیوند های انترناسیونالیستی میان آنان و منفرد تر شدن بیش از پیش مواضع اپورتونیستی «چپ» و «راست» نقش مؤثری ایفا نموده است. رویدادهای بین المللی پنج سال اخیر در مجموع خود بیانگر این واقعیت عیان جهان معاصر هستند که تناسب نیروها باز هم بیشتر بسود سوسیالیسم و بزبان امپریالیسم تغییر یافته است. از سوئی سیستم جهانی سوسیالیستی که در پیشاپیش آن اتحاد شوروی قرار دارد با گامهای بیش از پیش سریع تری در عرصه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و فنی به کامیابیهایی بزرگتری ناائل میشود و در تمام پروسه انقلابی جهان بنحو بارزی تأثیر میکند و از سوی دیگر سیستم جهانی سرمایه داری با مرحله نوینی از بحران عمومی و بنیادی خود دست بگریبان است که بحران اقتصادی و مالی، تشدید تضاد های درون اردوگاه امپریالیستی، گروهبندی بین انحصارات و کشمکش میان دولتیهای بزرگ سرمایه داری و همچنین تشدید تناقضات میان مجموعه اردوگاه امپریالیستی و کشورهای جهان سوم نمودار آشکاری از آن بشمار میآید.

پیام هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ب مردم ایران در باره جنگ تجاوزگرانه رژیم ایران علیه مبارزین ظفار

مردم ایران! بیش از یکسال است ارتش ایران با لهما امپریالیسم و بدستور شاه وارد جنگ پایید و بی افتخار و تجاوزگرانه ای علیه مردم دایر سرزمین ظفار شده است و در زیر فرماندهی افسران انگلیسی و دوشادوش مزدوران دیگر میکوشد تخت و تاج یک سلطان قرون وسطائی و ارتجاعی، ستمگری مانند سلطان قابوس را حفظ کند و سلطه استعمار را در جنوب شبه جزیره عربستان نگاه دارد و برای محو جنبش رهایی بخش و مترقی عرب در این ناحیه زمینه سازی کند. برخلاف دعوی پرطمطراق و میانه تپه شاه که از «پیروزی های پر افتخار» و «سپاهیان گسیل شده ایرانی و باصلاح باکساز» جاده صلاحه دم میزند، مبارزان دلاور ظفار که برای استقلال و خوشبختی وطن خویش میجنگند، بر ارتش مداخله جو ضربات سنگین وارد میکنند. جنگی که در این ناحیه در گرفته جنگی است طولانی و فرساینده که تنها نتیجه اش برای ایران عزای دار کردن صد ها و هزار ها خانواده، مخارج سنگین نظامی و دیگر خسارات و صدمات مادی و معنوی است.

اطلاعیه دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

روزنامه «اطلاعات» چنانکه معمول مغایره تلگراف رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران به رئیس جمهور عراق احمد حسن البکر دبیر کل حزب. بعث عربی سوسیالیست را بنحو مفرضانه و تعریف شده ای در شماره ۲۵ بهمن ماه ۱۳۵۲ خود منعکس کرده است. دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران اعلام میدارد: اولاً: عبارت دوم متن تلگراف که در آن پیشرفت کشور و خلق عراق و هم چنین تحکیم پیوند ناگسستنی بین خلخه های دو کشور ایران و عراق آرزو گردیده، متعصماً در خبر اطلاعات درج نشده است؛ ثانیاً: برخلاف نوشته روزنامه «اطلاعات» که از هر باره کوشیده است از اهمیت اقدام حزب بکاهد، شایان ذکر است که متن کامل تلگراف دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران به رئیس جمهور عراق در سرستون صفحات اول روزنامه های «الثوره» ارگان مرکزی حزب بعث عربی سوسیالیست و «طریق الشعب» ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق منتشر شده است. ما تردید نداریم که مغایره تلگراف مشروح در فوق که هدف آن بهبود روابط دو کشور و ملت همسایه است، علیرغم نظر نیرو های ارتجاعی و امپریالیستی در محافل اجتماعی کشور ما ایران حسن اثر می بخشد. دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران. ۱۸ اسفند ۱۳۵۲

مردم ایران تحریکات دولت را در مورد کردستان عراق محکوم میکنند

جناح راست حزب دموکرات کردستان سیاست این حزب را از مجرای درست خارج کنند و حزب دموکرات کردستان را به رد راه مسالمت آمیز، عدم قبول پیشنهاد خود مختاری و سیر بطرف خونریزی و برادر کشی وادارند. رادیوی دولتی ایران با حرارت تمام هر روزه گفتارهای تحریک آمیزی منتشر میکند و با راست و ریس کردن اخبار فروغ در راه کل آلود کردن آب و تیره کردن فضای سیاسی در عراق میکوشد. دولت ایران عملاً در مرز ایران و کردستان عراق خود را موظف به مراعات احترام به مرز کشورهای همسایه نمی بیند. دولت ایران با تبلیغات شوینستی در باره اصطلاح «هم نژادان آنسوی مرز» در واقع شعارهای الحاق طلبانه را در مورد کردستان عراق میبندد و تمایلات تجزیه طلبانه را در میان کرد های عراق تقویت مینماید. رژیم ایران، در حالیکه خود مخالف سرسخت حل اصولی مسئله ملی در کشور ماست و جنبش رهایی بخش کردهای ایران را بارها با خشونت و بربریت سرکوب کرده و میکند، برای «هم نژادان آنسوی مرز» دلسوزی نشان نمیدهد. شاه ایران که خود قاتل قاضی محمد، صدر قاضی سلیمان معینی و دیگر مجاهدان کرد ایرانی است، میخواهد خویش را «حلمی کرد» و جا بزند. در کشور ما خلق کرد از کلیه حقوق حقه ملی خود محروم است و محروم کنندگان این خلق، یعنی سرمرداران رژیم، اکنون وقاحت را بجای رسانده اند که تحت عنوان «دروغین دلسوزی برای کرد های عراق عملاً با خود مختاری کردستان عراق مخالفت میکنند و با این عمل خود در واقع با یک تیر دو نشان میزنند؛ هم در روابط بین کرد های عراق و حکومت مرکزی فتنه انگیزی میکنند و هم میخواهند از یک نمونه و سرمشق مشخص خود مختاری کرد که در عراق در حال پیدایش است، جاوگیری بعمل آورند. دنباله در صفحه ۲

یکی از مشخصات کنونی سیاست خارجی و داخلی رژیم، تشدید باز هم بیشتر خصمت ارتجاعی، اختناق آور و تجاوز کارانه است. رژیم باتکیه به مرجع تربیت محافل امپریالیستی که دشمن صلح و تشنج زدائی هستند، سیاست نظامیگری، تجاوز و تضییق و فشار را دمیدم تقویت میکند. شاه خود سازنده و الهامگر این مشی ماوراء ارتجاعی و ضد میهنی است. این سیاست نتیجه و دنباله منطقی آن مشی سرپا ضد ملی و ضد دموکراتیک است که رژیم ایران طی سالهای دراز دنبال کرده و برای وی چنان تعهداتی ایجاد کرده است که برای خود جز صیرب بیشتر در سرآشپ، راه دیگری نمی بیند. یکی از مظاهر این مشی، روش مداخله جویانه و تجاوزگرانه نسبت به همسایگان و از انجمله در مورد جمهوری عراق است. مداخلات و تحریکات دائمی ایران در مورد کردستان عراق نمونه مشخص چنین مشی مداخله جویانه است. همه میدانیم که بین کرد های عراق و دولت مرکزی اختلافاتی در مورد حل مسئله ملی وجود داشته است. این اختلافات طولانی که گاه منجر به جنگهای خونین شده از زمان استقرار رژیم کنونی عراق وارد مرحله حل اصولی و منطقی خود شده است. دولت مرکزی از طریق مذاکره مستقیم با رهبران جنبش ملی کردستان عراق کوشیده است مسئله را بنحو مسالمت آمیز و عادلانه ای حل کند. اعطاء حق خود مختاری به کردستان عراق که اخیراً از طرف دولت عراق اعلام شده است از نتایج این سیاست صحیح جمهوری عراق است و اقدامی است مثبت و مترقی. ولی امپریالیستهای امریکا وانگلیس و نیروهای ارتجاعی منطقه و از انجمله شاه ایران دشمن قطعی هرگونه حل مسالمت آمیز اصولی اختلاف کرد و عرب هستند. مدتهاست که شاه ایران کوشیده است در کردستان عراق به بهانه حمایت و دلسوزی از کردهای عراق رخنه کند. مأموران ساواک، مبلغان حزب فاشیستی پان ایرانیست در واقع فعالیت وسیعی در کردستان عراق دارند. این نیروهای ارتجاعی میکوشند بدست

جنگ سرد رفته رفته زمینه خود را بمشابه روش مساط سیاست امپریالیستی در مقیاس جهانی از دست میدهد. سیاست صلح و همزیستی مسالمت آمیز تدریجاً بصورت گرایشی که باید در مناسبات بین المللی حاکم باشد به امپریالیسم تحمیل میگردد و جریان کاهش و خامت در عرصه بین المللی بتدریج در جهت مثبت سیر میکند. عامل اساسی پیدایش و بسط این گرایش مثبت در اوضاع بین المللی سیستم جهانی سوسیالیسم و در رأس آن دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است که با اجراء پیگیر سیاست لنینی صلح و همزیستی مسالمت آمیز و با تحقق بخشیدن به برنامه صلح کنکره تاریخی سیستم و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی موجبات پیشرفت تعرض صلح را در مقیاس جهانی فراهم ساخته است.

وحدت عمل نیرو های ضد رژیم شرط مهم کامیابی در مبارزه است!

دنباله از صفحه ۱

درباره تحولات اوضاع بین المللی و...

امکانات، اشکال و اسلوهایی مبارزات طبقاتی توده‌های زحمتکش علیه انحصارهای امپریالیستی و نظام سرمایه داری بیش از پیش تنوع مییابد. در جنبش‌های بخش ملی گرایش بسوی اتخاذ راه و روش درست مبارزه علیه امپریالیسم، تشخیص دقیقتر نواستان و دشمنان نهضت استقلال و ترقی بیش از پیش مشهود میگردد. ولی تحول مثبت اوضاع جهان در درون پیرویه...

دنباله از صفحه ۱

دوم آوریل، روز مبارزه علیه...

نظیر ناتو و سترو بر کنار مانده است. این امر موهون مبارزات همه ملل دول کشورهای مترقی و صاحب‌دوست و در نوبه اول اتحاد شوروی و هندوستان است که با مبارزه فعال و مؤثر بخاطر حفظ صلح جهانی و دفاع از سیاست عدم تمهد در منطقه، نقشه صالح امپریالیسم را در مورد اقیانوس هند خنثی ساخته اند. توطئه‌های که در دوران جنگ سرد عقیم مانده اکنون که جهانیان در انتظار پیروزی سیاست همزیستی مسالمت آمیز و پایان دادن به سیطره پیمانهای نظامی هستند از جانب متجاوزترین محافل امپریالیستی پروژه از جانب محافل وخامت طلب امپریالیسم امریکا مجدداً از سر گرفته شده است. پنتاگون در صدد برآمده با تبدیل جزیره مرجانی دیاگو - گارسیا در اقیانوس هند به پایگاه بزرگ نظامی دریایی و هوایی اتمی امریکا در این منطقه خطر جدی برای صلح جهانی، پیروزی برای امنیت ملل و دول آسیایی بوجود آورد. وخامت طلبان امپریالیستی وابسته به مجتمع نظامی - صنعتی بجای آنکه به خواست ملل در تحقق سیاست همزیستی مسالمت آمیز و وخامت زدائی تسلیم گردند، به اقدامی دست زده اند که از هدفهای عمده بحرانی‌ترین دوران جنگ سرد است. نگهتیه پیداست که حمایت پنهان و آشکار پکن در شرایط کنونی از عوامل عمده ایست...

دنباله از صفحه ۱

پیام هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران

منطقه را بخاطر می اندازد و درست بهمین علل شاه ایران بدست و پا افتاده است. مسئله اعزام سپاه به عمان که موافق الهام امپریالیسم و تقاضای قابوس انجام گرفته ناشی از آن است که این سلطان جبار در داخل خاک خود پشتیبانی ندارد و مجبور است که بزور سربزیر مزدوران و بیگانگان، تخت پلید و لوزان خویش را حفظ کند. پیشهاد قابوس را برای اعزام نیرو به عمان، عده ای از کشورهای عربی با نفرت و کراهت رد کرده اند. ولی شاه ایران آنرا با شانی و رضایت پذیرفت! اعزام چهار هزار تن نیرو با تجهیزات و مهمات وسیع به عمان در سال گذشته اشتباهی فزاینده قابوس را که در زیر ضربات نابود کننده مبارزان ظفار قرار دارد تأمین نکرد اخیراً این سلطان مرتجع به تهران آمده و موفق شده است که از شاه ایران باز هم کمک‌های نظامی وسیعتری دریافت دارد. این مطلبی است که اعلامیه اخیر ایران و عمان فاش کرده است. معنای این سخن چیست؟ معنای این سخن آنست که ما در مرداب پلید جنگی تجاوز گرانه و غیر عادلانه باز هم معیتر فرو میرویم، باز هم قربانیان بیشتری می‌دهیم، باز هم ثروت ملی ما در این راه غلط و ظالمانه بیشتر نابود میشود. اینکس این جنگ پلید و دیگر روشهای تجاوز گرانه، در سیاست داخلی کشور ما تشدید فشار و اختناق است. بی‌پرده نیست که شاه در مصاحبه اخیر خود با روزنامه انگلیسی «سندی تایمز» آشکارا میگوید: ... ما اکنون سختگیرتر شده ایم!

هوپلطان عزیز!

تجربه و بینام نشان داده است که شرکت در جنگها و تجاوزات پلید و ظالمانه علیه خاکی که برای رهائی خود برخاسته است، نه فقط افتخاری ببار نمیآورد بلکه عواقب فلاکتباری برای متجاوز در بر دارد. مردم ایران از این روش تبهکارانه رژیم از جان و دل بیزارند. باید با تمام قوا این سیاست ضد صلح و ضد انسانی، جنایتکارانه و اسارت‌گرانه رژیم را افشا کرد و بدان قوا با مردم ظفار و جنبش رهائی بخش بحق و عادلانه آنها ابراز همبستگی کرد. حساب مردم ایران در این تجاوز پلید، از حساب شاه و چاگرانش جداست. حزب توده ایران به پیروی از همین منویات پاک و روشن مردم عدالت دوست کشور ما که خود زهر تلخ ستم و غارت و فشار را هر روزه و هر ساعت می‌چشند و سینه ای سوزان برای عدالت و حقیقت دارند، از همان آغاز تجاوز ایران، بدفاع از مردم ظفار برخاست. اعلامیه حزب...

دنباله از صفحه ۱

مردم ایران تحریکات دولت را...

عناصر آگاه و مترقی کردستان عراق شاه ایران و رژیم او را که مرتکب انواع خیانت‌ها و جنایت‌ها نسبت به خلفهای ایران و دیگر خلقهای همسایه شده‌است، خوب میشناسند و فریب این ژاندارم منطقه و دستپار شناخته شده امپریالیسم را نخواهند خورد. مردم ایران باید با سیاست فتنه انگیزانه رژیم ایران در مورد کردستان عراق مبارزه کنند و این سیاست عمیقاً ارتجاعی را با مبارزه خویش عقیم گذارند. بویژه خلق کرد در کشور ما بیشک متوجه مقاصد شوم سیاست کنونی رژیم که دارای ماهیت ضد کردی است، هست و این سیاست دشمنان سنتی و دیرینه خلق کرد را اشتهاء و با آن مبارزه خواهد کرد و روا نخواهد شمرد که خاک کردستان ایران تکیه گاه اقدامات نفاق افکن دولت علیه خلقهای برادر کرد و عرب کشور همسایه ما قرار گیرد. حزب توده ایران که خود طرفدار حل اصولی مسئله ملی و تأمین حقوق خلقهای ایران است به خود مختاری کردستان عراق و حل مسالمت آمیز اختلافات موجود بین حزب دموکرات کردستان عراق و دولت مرکزی عراق با نظر مثبت گرد و مایل است که توافق بین عرب و کرد برپایه سرمختاری هر چه زودتر تأمین شود. مسئله ملی در بسیاری از کشورهای خاور میانه یک مسئله حاد اجتماعی است که دیری است حل آن به ضرورت مبرم مبدل شده است. از جمله این مسئله در کشور ما ایران مطرح است. ما بر آنیم که حل مسئله ملی در کردستان عراق دارای اهمیت تاریخی برای حل این مسئله در منطقه است. حزب توده ایران بنمایندگی از طرف مردم ایران شدیداً مشی فتنه انگیزانه شاه و رژیمش را در مورد کردستان عراق محکوم میکند.

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۸ اسفند ۱۳۵۲

علاوه بر سند فوق، در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۵۲ اظهاریه دیگری از طرف هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره روابط ایران و عراق بمناسبت حوادث متعدد سرحدی بین دو کشور صادر گردید که در موقع خود رادیوی پیک ایران آرا پخش کرده است.

خطاب به سربازان ایرانی که در ظفار می‌نشینند اکنون بین آنها پخش شده است. رهبران جنبش رهائی بخش خلیج در اسناد رسمی خود برای این مبارزات روشنگرانه و عادلانه حزب ما ارزش و اهمیت عالی قائل شده اند. سلطان قابوس نیز مجبور شد به تأثیر این مبارزات اعتراض کند. اگر تمام نیروهای مترقی کشور ما، تمام دوستداران عدالت و حقیقت، تمام دوستداران خلقهای که در راه رهائی خود پییکار میکنند، تمام دوستداران صلح و امنیت منطقه با شجاعت و ابتکار با جنگ پلید رژیم علیه مبارزان ظفار وارد پییکار شوند، میتوان دست تبه کار را قطع کرد و به میهن پرستان ظفار کمک مؤثری نمود. هر ضربتی بابت جنگ پلید، ضربتی است بر رژیم استبدادی. لازم است در این زمینه اقدامات سریع و جدی بعمل آید. ما در آینده نیز با تمام قوا در همین راه خواهیم کوشید و بیاری و همبستگی مردم ایران در کوشش خود مطمئتم.

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۸ اسفند ۱۳۵۲

مرجانی دیاگو - گارسیا به پایگاه نظامی شدیداً اعتراض کنند: - سکوت دولت ایران را در برابر تحریکات دول امپریالیستی در این منطقه محکوم نمایند: - با قاطعیت تمام از دولت ایران بخواهند میهن ما ایران از هر نوع شرکت در توطئه‌های سیاسی امپریالیسم بر کنار نگاه داشته شود.

یا اینکه جنگ جهانی در نتیجه تغییر فزاینده تناسب نیروها قهراً عقب رانده شده معذالک کماکان امپریالیسم دشمنی جدی و خطرناک است و لذا هنوز کوششهای فراوانی از جانب تمام نیروهای صلح طلب و ضد امپریالیستی جهان لازم است تا تمیزات حاصله در جهت صلح و همزیستی مسالمت آمیز خصلت پایدار و بازگشت ناپذیری بدست آورد. مجموعه این اوضاع و احوال یکسلسله مسائل تازه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیک در برابر احزاب کمونیستی و کارگری مطرح میسازد. تحلیل جمعی و همه جانبه این مسائل بررسی جوانب گوناگون تجارب انقلابی احزاب برادر تبادل نظر و تنظیم مشی مشترک ناشی از آن برای تحکیم باز هم بیشتر وحدت جنبش جهانی کمونیستی، فشرده‌گی صفوف و تقویت وحدت عمل واحد‌های جدا گانه آن به نیاز حیاتی بدل میگردد.

تجربه دوران پس از کنفرانس جهانی ۱۹۶۹ گواهی میدهد که کنفرانسهای احزاب کمونیستی و کارگری اثربخش ترین شکل تبادل نظر، بهترین وسیله تحلیل عمیق پدیده‌ها و مسائل و تفاهات بین‌المللی جمع بست تجارب حاصله، تعیین وظائف مبرم و خط مشی مشترک جنبش در عرصه نبرد جهانی است. نظر بجهت فوق هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران گزارش و پیشهاد هیئت دبیران را دائر به ضرورت مبرم تشکیل کنفرانس جدیدی از همه احزاب کمونیستی و کارگری تأیید میکند و به هیئت دبیران مأموریت میدهد که در تماس و همکاری نزدیک با احزاب برادر، در حدود امکانات و مقدرات حزب ما کلیه مساعی لازم را برای کمک به تدارک و تشکیل کنفرانس جدید احزاب کمونیستی و کارگری بکاربرد.

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران چهارم فروردین ۱۳۵۳

ادامه انتشار ترجمه کاپیتال (مارکس) طی مراجعات مکرر خوانندگان، از ما خواسته شده است که در ترجمه و انتشار جلد دوم سرمایه (کاپیتال) تسریع بعمل آید. ترجمه جلد دوم سرمایه در جریان است و امید داریم که هر چه زودتر جزوه اول جلد دوم را منتشر سازیم. با این آدرس با رادیو پیک ایران، با روزنامه مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین المللی و مجله پییکار مکاتبه کنید! P. B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden